

می توانید کار عظیم خدا را به زبان کنونی ترجمه کنید؟

اول قرنطیان ۲، ۱۶-۱۲

ولی ما نه روح این دنیا، بلکه روحی را یافته‌ایم که از خداست تا آنچه را خدا به ما عطا کرده است، بدانیم 13. و از همین سخن می‌گوییم، آن هم نه با کلماتی که آموخته حکمت بشری باشد، بلکه با کلماتی که روح می‌آموزد؛ و بدین‌سان حقایق روحانی را با کلمات روحانی بیان می‌کنیم. اما انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا در نظرش جهالت است، و قادر به درکشان نیست، چرا که قضاوت درست درباره آنها تنها از دیدگاهی روحانی میسر است 15. اما شخص روحانی درباره همه چیز قضاوت می‌کند، ولی هیچ‌کس را یارای قضاوت درباره او نیست «16 زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد تا به او مشورت دهد؟ ولی ما فکر مسیح را داریم.



بخشی از کار ما در کلیسا این است که انجیل را به زبان های مختلف یا در سطح درک زمان کنونی ترجمه کنیم. اگر همه چیز شکست خورده است و ما نمی‌توانیم یکدیگر را درک کنیم، ابزاری مانند گوگل وجود دارد که به آن تکیه می‌کنیم. اما گوگل بعضی اوقات به سوء تفاهم بزرگتر منجر می‌شود. نمونه های زیادی از این کار وجود دارد. متوجه می‌شویم که نه تنها ترجمه یک کلمه، بلکه معنی کل جمله مهم است. و اغلب کلماتی که در یک زبان خنده دارند در زبان دیگر بی ادبانه هستند یا حتی معنایی کاملاً متفاوت دارند. سوء تفاهم های غم انگیز همیشه اتفاق می‌افتد زیرا ما انسان ها نمی‌توانیم یکدیگر را خوب درک کنیم. پولس رسول همچنین در نامه اول به قرنطیان از یک سوء تفاهم غم انگیز صحبت می‌کند. درباره انسان نفسانی و انسان روحانی صحبت می‌کند. بین آن دو، شکاف غیرقابل عبوری وجود دارد، به طوری که انسان طبیعی و انسان معنوی به هیچ وجه نمی‌توانند یکدیگر را درک کنند. و هیچ مترجم گوگلی برای آن وجود ندارد که بتواند بر این مانع پیروز شود. پولس رسول در مورد این سوء تفاهم وحشتناک صحبت می‌کند و می‌خواهد در مورد آن به آسمان فریاد بزند. به این نتیجه می‌رسد: «اما انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا در نظرش جهالت است.» انسان نفسانی نه آنتنی برای این کار خدا دارد و نه مترجمی. او کاملاً از حقایق معنوی بی اطلاع است. و با این حال پولس سعی می‌کند با ترحم بزرگ بر این مانع پیروز شود. اینکه پولس برای این کار تلاش می‌کند و به طور بدیهی از انسان طبیعی و روحانی صحبت می‌کند کمی تعجب آور است. چون چه کسی جرت دارد خودش به عنوان فرد معنوی بداند؟ در واقع همه ی ما انسانهای نفسانی هستیم و کاملاً قادر به درک اعمال بزرگ خداوند نیستیم، و به هیچ وجه نمی‌توانیم چیزی معنوی را برای دیگران تفسیر کنیم. بله، در واقع همینطور است. انسان ها هرگز نمی‌توانند به خدا نزدیک شوند یا او را درک کنند. اما این دقیقاً معجزه پنطیکاست است که خدا دروازه ی بهشت را باز کرد و روح القدس را به سوی انسان ها جاری کرد تا آنها کارهای بزرگ خدا را درک کنند. زیرا در پنطیکاست دقیقاً چیزی اتفاق می‌افتد که واقعاً برای انسان نفسانی غیرممکن است. یعنی اینکه مردم عادی از روح خدا برخوردار شدند و بر اساس روح القدس می‌توانستند حقایق معنوی را درک کنند و آنها را اعلام کنند. به همین دلیل بود که مردم اورشلیم با تعجب گفتند: «چگونه می‌شنویم که این مردم اعمال بزرگ خدا را به زبان خودمان اعلام می‌کنند؟» و این دقیقاً همان کاری است که پولس رسول در نامه‌های خود بارها و بارها انجام داد. پولس نه تنها این حقایق روحانی را برای غیر مسیحیان، بلکه برای مسیحیان نیز دوباره و دوباره اعلام می‌کرد. زیرا مسیحیان نیز نفسانی هستند و می‌مانند و پیوسته در معرض وسوسه های شیطان هستند. همچنین دائماً به یک مترجم روحی نیاز دارند تا به آنها یادآوری کند که در واقع چه چیزی نفسانی است و چه چیزی معنوی؟ در عین حال ما اغلب به خود اجازه می‌دهیم که نه طبق روح خدا بلکه طبق احساسات خودمان رفتار کنیم. به این دلیل کار ترجمه هنوز پس از گذشت ۲ هزار سال متوقف نشده است. ما نمی‌خواهیم بپذیریم که مردم نمی‌توانند پیام انجیل را درک کنند. ما نمی‌خواهیم بپذیریم که مردم به کلیسا بیایند و با تعجب بگویند: "من هر کلمه ای را که می‌گویند درک می‌کنم ... اما نمی‌توانم معنی آن را بفهمم و نمی‌دانم که به چه دلیل شما به خدا ایمان دارید!" در عین حال ما کاملاً شگفت زده می‌شویم که تا به امروز مردم از راه دور می‌آیند و قلب شان را برای ایمان و انجیل باز می‌کنند. این واقعاً یکی از معجزات پنطیکاست است! این معجزه ای است که روح القدس فعال است و حقایق معنوی را به روی مردم می‌گشاید تا مردم عادی بتواند خدا را درک کنند. این دقیقاً همان چیزی بود که در روز پنطیکاست اول اتفاق افتاد. مردم در سراسر اورشلیم شگفت زده شدند و گفتند: "هر کس می‌تواند انجیل را به زبان مادری خود بفهمد." به این دلیل آنها شگفت زده شدند و خدا را ستایش کردند. این معجزه زبانی، در پنطیکاست، باید بارها و بارها اتفاق بیفتد. این همان چیزی است که امروز در سال ۲۰۲۳ اتفاق می‌افتد! شهادت انجیل با همین کار ادامه می‌یابد چون شهادت انجیل تنها در مورد فهمیدن کار بزرگ خداست. کار کلیسا همیشه در مورد این است که ناگهان چشمان انسان ها را باز کند تا بتوانند بفهمند خدا چه کار بزرگی انجام داده است. اما این کار همیشه ساده نیست. بیشتر اوقات زمان زیادی می‌طلبد و صبر و حوصله و تلاش زیاد و همچنین

اشک های زیاد می خواهد. با وجود این، ما هرگز نباید خسته شویم و باید همیشه تلاش کنیم تا انسان ها را به خدا جذب کنیم تا کلیسا زبانی را پیدا کند که هموطنانمان بتوانند آن را درک کنند. این روند با آلمانی ها که به سختی ارتباطی با کلیسا ندارند، شکل دیگری به خود می گیرد. اما وقتی در آلمان با مهاجرانی زندگی می کنیم که از سراسر جهان به اینجا می آیند و شاید برای اولین بار انجیل را از طریق مترجم بشنوند، شکل دیگری پیدا می کند. اما در فرایند درک، ما یک چیز مشترک با معجزه پنطیکاستی داریم. هیچ آشفتگی زبانی مانند داستان بابل در کتاب مقدس وجود ندارد. خداوند در آن زمان انتظار نداشت و امروز هم انتظار ندارد که مردم از حالت طبیعی خود به سوی دنیای معنوی حرکت کنند. نه، آنها می توانستند و هنوز هم می توانند همه چیز را با ذهنی که خدا داده است بفهمند. شرکت کنندگان در اولین مراسم پنطیکاست تعجب کردند: «آنها به زبان ما صحبت می کنند.» ما از این نتیجه می گیریم که هر کسی که می خواهد مسیحی شود نباید لزوماً زبان و فرهنگ خود را رها کند. کسی که مسیحی می شود مجبور نیست عقل خود را نیز رها کند. وقتی روح القدس با ما صحبت می کند، ما را دقیقاً همانگونه که هستیم طلب می کند. او می خواهد به زبان ما و فرهنگی که خدا به ما داده است به ما برسد. و این دقیقاً یک هدیه شگفت انگیز از روح القدس است که ما مسیحیان از کشورهای مختلف را دور هم جمع می کند تا بتوانیم ویژگی های فرهنگی یکدیگر را تحسین کنیم. مردم ایران شگفت انگیزترین آهنگ ها را از فرهنگ خودشان به ما تقدیم می کنند. برخی از ترانه ها را خودشان از طریق قدرت روح القدس نوشته اند. و آواز های قدیمی آلمانی نیز نزد مسیحیان ایرانی محبوب هستند و می توانند زیبایی فرهنگ دیگر را ببینند و بدانند. همانطور که هستیم، خدا با ما کاری انجام می دهد. وقتی یک نفر پیش ما می آید و غسل تعمید می گیرد، یکدفعه هاله یا رنگ پوستش فرق نمی کند، جور دیگری حرف نمی زند، لباس متفاوتی هم نمی پوشد. او همان می ماند که است. و با این حال همه چیز متفاوت خواهد بود. متفاوت است زیرا روح القدس در باطن اوست. روح خدا نزد ما می آید، اما هنوز هم بسیار متفاوت از ما است و باید برای ما ترجمه شود تا بدانیم چه اتفاقی می افتد. پولس رسول به ما می گوید: «ما روح خدا را داریم تا بدانیم خدا چه چیزی به ما داده است...». پولس می گوید از نظر عقل سلیم انسان نفسانی همه اینها حماقت هستند. و پولس رسول در ادامه می گوید: «ما روح خدا را داریم و می توانیم به وسیله او همه چیز را درک کنیم.» بنابراین متوجه می شویم که نیازمند به روح القدس هستیم. ما مترجم گوگل برای روح القدس نیاز نداریم اما چیز بسیار بهتری داریم. ما ذهن مسیح را داریم. او مترجم ما است. عقل سلیم می گوید که مسیح بر روی صلیب مظهر ناتوانی است. همه از او بیزار بودند و هیچ توقعی از او نداشتند، کسی که حتی قدرت کمک به خودش را ندارد نمی تواند به ما کمک کند. و با این حال دقیقاً در این نقطه بود که قدرت خدا به وضوح آشکار شد. قدرتی که می تواند در برابر بدترین دشمنان ما پیروز شود: شیطان، گناه و مرگ... قدرتی که در برابر چنین دشمنانی پیروز می شود در واقع جهان را نجات داد. ذهن انسانی چیزی در مورد آن نمی شنود. از نظر عقل سلیم یک مرد همراه با بسیاری دیگر به طرز وحشتناکی مرد. معجزه روح القدس این است که مسیح در زندگی ما عمل می کند. «هر کس که روح خدا را دارد فرزند خداست.» ما نمی توانیم تجربه روح خدا را ثابت کنیم، اما روح وجود دارد و ما انسان ها را بارها و بارها کمک می کند. مخصوصاً وقتی روحیه انسانی ما تزلزل پیدا می کند. این کار می تواند زمانی اتفاق بیفتد که متوجه می شویم در حال رسیدن به محدودیت های قدرت خود هستیم. این کار می تواند زمانی اتفاق بیفتد که متوجه می شویم بدن ما، زمان ما، نیروی ما محدودیت هایی دارند. آن وقت احساس می کنیم که پایه های وجودمان متزلزل شده است. به عنوان مثال ما ناگهان مریض می شویم و نمی دانیم چگونه ادامه دهیم. با توجه به رنج های زیادی که در دنیای ما اتفاق می افتد، ما نیز نمی دانیم چگونه باید ادامه دهیم. این محدودیت ها که مدام به آن ها برخورد می کنیم، به ما نشان می دهند که ناتوان هستیم. او که از آغاز جهان آنجا بود، می خواهد معنی رنج را برای ما و دنیای ما ترجمه کند. او می خواهد ترجمه کند که حتی در پیری و همچنین در بیماری و همچنین پس از این همه رنج دیگر، عشق بی پایان همچنان ما را در آغوش می کشد و ما را ننگه می دارد. همینطور زمانی که زندگی ما تغییر می کند که ما نمی توانیم آن را درک کنیم. بدون این مترجم، کجا خواهیم بود؟ و ما بدون او چقدر فقیر هستیم؟ ما همچنین این محدودیت ها را در کارهای اجتماعی خود تجربه می کنیم. حتی اگر انواع برنامه ها، استراتژی های کلیسا و پول را نیز سرمایه گذاری کنیم... وقتی سعی می کنیم که انجیل را برای مردم تفسیر کنیم، محدودیت هایی را احساس می کنیم. ما فقط با قدرت خود نمی توانیم پیش برویم. پولس رسول به ما می گوید: «باید از نظر روحانی قضاوت کنیم. ما به مترجم روح القدس نیاز داریم. سپس متوجه می شویم که روح القدس نیز با قدرت در شخص دیگری فعال می شود. نکته شگفت انگیز این است که روح القدس از ما مانند روبات استفاده نمی کند. اما همانطور که هستیم. با استفاده از ذهنمان، با استعداد های خاصمان روح القدس می تواند پیامی شگفت انگیز برای زن و مرد بیاورد. شاید بچه ها آن را بهتر از ما بزرگسال ها فهمیده باشند. وقتی از آنها پرسیده می شود که روح القدس ما را قادر می سازد چه کاری انجام دهیم، آنها پاسخ می دهند: روح القدس به من کمک می کند مادرم را در آغوش بگیرم. روح القدس به من کمک می کند تا مادربزرگ را در بیمارستان ملاقات کنم. روح القدس به من کمک می کند تا به گدایان غذا بدهم. روح القدس به من کمک می کند تا برادرم را که به تازگی دزدی کرده است ببخشم. بچه ها می فهمند. روح القدس... انسانی نیست... اما بدون انسان کاری انجام نمی دهد. آمین